نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۹، زمستان ۹۹

بازکاوی انتخابات محلی در ایران از منظر ژئوپولیتیک جنسیت
(موردپژوهی: انتخابات شورای شهر و روستا در استان فارس)

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۹ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۷/۱

صفحات: ۳۷۰-۳۵۹

نیره اخوان بی‌طرف: مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری، ری، ایران[1].

Email: nayer.akhavan@yahoo.com

نرجس سادات حسینی نصرابادی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، ایران.

Email: narjessadat65@gmail.com

چکیده

توزیع جنسیتی در کانون‌های قدرت و میزان مشارکت در انتخابات از منظر جنسیتی، از جمله مباحث مبهمی است که ترکیب و کیفیت ساختارهای قدرت در واحدهای سیاسی-فضایی را نشان می‌دهد. از منظر ژئوپولیتیک، چگونگی توزیع قدرت از طریق نمایندگی و مشارکت سیاسی از طریق انتخابات، نشانگر شاخص-های وجود یا عدم وجود عدالت جنسیتی در ساختارهای قدرت است. با توجه به وزن ژئوپلیتیکی بالای زنان در هرم جمعیتی ایران، تحقیق حاضر به بازکاوی انتخابات شورای شهر و روستا در استان فارس از منظر ژئوپولیتیک جنسیت پرداخته است. بدین منظور با استفاده از روش توصیفی و پیمایشی و نیز با بررسی آمارها و داده‌های مختلف در سه دوره‌ی انتخابات شورای شهر و روستا در استان فارس، به بررسی نحوه‌ی توزیع جنسیتی نمایندگان راه‌یافته در این سه دوره پرداخته شده است. نتایج، نشان داد که در دوره‌ی اول انتخابات شهر و روستا در استان فارس، در مجموع ۹۰درصد از کرسی‌ها در اختیار مردان بوده است. در دور دوم این نسبت به ۸۰ درصد می‌رسد و در واقع، بهبودی نسبی در توزیع جنسیتی نمایندگان مشاهده می‌شود. در دور سوم، اما روند سینوسی به سوی دور اول عقب‌گرد می‌یابد تا توازن جنسیتی نمایندگی، همچنان در ساختاری مردانه تثبیت شود.

کلیدواژگان: انتخابات، جنسیت، ژئوپولیتیک، مشارکت سیاسی، استان فارس.

---

۱ .**نویسنده مسئول**: شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]

[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]

[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

مقدمه

انتخابات یکی از عرصه‌های مهم مشارکت اجتماعی در سده‌ی حاضر است که امکان اثربخشی مستقیم آراء و خواست‌های شهروندان در مقیاس خرد و کلان حکومتی را فراهم می‌سازد. در واقع، از طریق انتخابات، شهروندان ضمن نظارت بر عملکرد منتخبان خود، به حکومت حاکمان مشروعیت می‌بخشند. در حقیقت، انتخابات مناسب-ترین ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در انتخاب متصدیان امور کشور مداخله داد (متقی، ۱۳۹۵: ۲۳۷). شارکت فعال شهروندان در امر حاکمیت، رویه و مجراهای گوناگونی دارد که بارزترین آن در انتخابات نمودار می‌گردد. انتخابات و رفتار انتخاباتی کنش و نگرشی سیاسی است که با کارکردهای ساختاری و سامانه‌های اقتصادی- فرهنگی در سطح کلان رابطه دارد. انتخابات یک روند بسیار مهم در حاکمیت دموکراتیک است و از طریق آن، تاثیرگذاری مستقیم مردم در رفتار سیاسی آشکار می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۹۸: ۳۲).

در این میان، جغرافیای انتخابات توانسته است با بررسی الگوهای فضایی- مکانی این رفتار سیاسی و کشاندن آن بر روی نقشه‌های جغرافیایی و تحلیل‌های آماری، دیدگاهی فراگیر و ژرف درباره‌ی مشارکت سیاسی از طریق انتخابات را فراهم آورد (Quinton, 2013: 4). سه رویداد همزمان و درهم تنیده سبب گردید تا بررسی مکانی-فضایی انتخابات ممکن شود؛ نخست، افزایش شمار پایگاه داده‌های زمینی که امکان استناد به آمار و ارقام را فزون می‌ساخت؛ دوم، افزایش و بهبود روش‌های ریاضیاتی و مدل‌سازی که به پژوهندگان امکان بررسی ابعاد فضایی یک پدیده را فراهم می‌ساخت و در نهایت، پیشرفت روافزون ابزارهای محاسباتی همانند رایانه و دیگر سخت-افزارهای محاسباتی (Crespin, et al, 2019: 1). انتخابات در ایران زمینه‌ی مشارکت مدنی شهروندان در امور سیاسی را فراهم کرده و به نظر می‌رسد مشارکت شهروندان در انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر حضور ایدئولوژیکی و رویکرد قومی- قبیله‌ای ناشی از حس خاص مکانی شهروندان می‌باشد (متقی، ۱۳۸۹: ۱۹). چگونگی توزیع فضایی قدرت از طریق انتخابات از جمله مباحثی است که کیفیت و نوع کانون‌های قدرت را از طریق آن می‌توان مشخص کرد. در این میان، بررسی چگونگی توزیع قدرت از منظر جنسیت در انتخابات که ناظر بر سهم جنسیت‌ها در تصاحب کرسی‌ها است، به‌دلیل آشکارسازی مولفه‌های عدالت جنستی در فضاهای جغرافیایی از اهمیت برخوردار است. با توجه به چنین اهمیتی، تحقیق حاضر به بازکاوی سه دوره انتخابات شورای شهر در استان فارس پرداخته و کیفیت توزیع قدرت از منظر جنسیت را در این سه دوره مشخص کرده است.

چارچوب نظری

جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات، رویکردی جغرافیایی به مقوله‌ی دموکراسی و انتخابات است که در آن، الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و حقوقی حاکم است، بررسی می‌شود (کاویانی راد، ۱۳۹۲: ۱۰). جغرافیای انتخابات به عنوان یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی به مطالعه‌ی جنبه‌های جغرافیایی سازماندهی، کارکرد و نتایج انتخابات می پردازد. روی‌هم رفته می‌توان گفت که «جغرافیای انتخابات، زیرمجموعه‌ای از دانش جغرافیای سیاسی است که به مطالعه‌ی الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد» (کاویانی راد و قره‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). پس از

مطالعات نسبتاً جامعی که آندره زیگفرید[2] (۱۹۴۹) بر روی جغرافیای رای‌گیری در آردش فرانسه انجام داد، مبانی علمی این شاخه رفته رفته در شریان‌های جغرافیای سیاسی نفوذ کرد (McKee, 2018: 123).

زیگفرید که پدر جغرافیای انتخابات نیز مشهور است، در اثری با نام «جغرافیای انتخاباتی» به بررسی ارتباط میان محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و الگوی رای‌دهی در بخش آردش[3] در شمال فرانسه و طی بازه‌ی زمانی ۱۸۷۱-۱۹۴۰ پرداخته است. وی در این اثر، آراء کسب شده از سوی هر یک از احزاب را با سازمان فضایی جامعه همسان می‌پندارد و معتقد است که تنوع الگوهای ارتفاع و ساخت زمین‌شناسی این منطقه، رفتارها و موضع‌گیری‌های سیاسی ساکنان آن را منعکس می‌کند (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۷-۶). وی توانست با نشان دادن جنبه‌هایی از محیط فیزیکی و اجتماعی بر روی نقشه، زیربنا و مبنای تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را ریشه‌یابی کند. سه رویداد همزمان و درهم تنیده سبب گردید تا بررسی مکانی- فضایی انتخابات ممکن شود؛ نخست، افزایش شمار پایگاه داده‌های زمینی که امکان استناد به آمار و ارقام را فزون می‌ساخت؛ دوم، افزایش و بهبود روش‌های ریاضیاتی و مدل‌سازی که به پژوهندگان امکان بررسی ابعاد فضایی یک پدیده را فراهم می‌ساخت و در نهایت، پیشرفت روافزون ابزارهای محاسباتی همانند رایانه و دیگر سخت‌افزارهای محاسباتی (Crespin, et al, 2019: 1). توسعه‌ی این سه زمینه، سبب شد تا «دکترین مکان به معنای درک مکان و ارتباط آن با اکولوژی فرهنگی، جامعه‌شناسی و سیاست» (شکویی، ۱۳۹۷: ۷۴)، در قالب جغرافیای انتخاب فراهم آید. از آنجا که انتخابات، معیاری برای برای شناخت نگرش‌ها، برداشت‌ها، تنگناها و مشکلات جامعه است، تفاوت‌های رفتار رای‌دهندگان در مکان‌های مختلف، نشان از تعامل محیط، انسان و نیازهای اوست و جغرافی‌دانان بر همین اساس به مطالعه‌ی تاثیر عوامل محیطی در انتخابات می‌پردازند (کاویانی راد و قره‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

ژئوپولیتیک جنسیت

تفکیک بین جنس و جنسیت از برآیندهای نظریه‌های انتقادی به خصوص نظریه‌های مطرح شده در موج سوم فمینیسم است. در این میان، ژئوپولیتیک جنسیت به تاسی از نظریات جامعه‌شناختی به این نکته می‌پردازد که صفاتی که برای زنان طبیعی قلمداد می‌شود، ساخته و پرداخته فشارها و شرایط اجتماعی هستند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۴۴۳). نکته محوری در نظریات انتقادی در رابطه با جنسیت، برساخت اجتماعی بودن آن است که باعث می‌شود معنای جوهری نداشته باشد. محور اساسی ژئوپلیتیک جنسیت نیز زن و مساله جنسیت و کیفیت آن در کانون‌های قدرت است (Foord and Gregson, 2019: 189).

با اقتباس از رویکردهای انسان‌شناسی، می‌توان گفت که در ارتباط با ژئوپولیتیک جنسیت، سه تقابل اصلی وجود دارد. «نخستین تقابل که قدیمی‌ترین مفهوم را نیز تشکیل می‌دهد، درک مفهوم زن در قالب طبیعت و مرد در قالب فرهنگ، یکی از اشکالی است که در اکثر جوامع انسانی به چشم می‌خورد و ریشه‌ی آن سلطه‌ی مردان بر زنان است. رابطه‌ی طبیعت-فرهنگ که با رابطه‌ی خام/ پخته قابل مقایسه است، مردان را به عنوان نوعی شکل پیشرفته و تکامل یافته از زنانگی درک می‌کنند. در این برداشت، فرهنگ از دل طبیعت بیولوژی بیرون می‌آید. اما درجه خروج و فاصله گرفتن از طبیعت در زنان از مردان کمتر است. در نتیجه در این برداشت، مردانگی در

[2]- André Siegfried
[3]- Ardéche

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

دورترین نقطه از طبیعت قرار گرفته و کامل‌ترین شکل فرهنگ است و برعکس زنانگی در نزدیک‌ترن نقطه به طبیعت واقع شده و خام‌ترین شکل فرهنگ است» (فکوهی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). قلمرو دوم، تقابل میان حوزه خانگی و عمومی است. با انقلاب صنعتی، زنان بسیاری به قلمرو عمومی وارد شدند، بسیاری از امور آموزش و تربیت و فراغت به حوزه عمومی منتقل شد و بسیاری از فعالیت‌های خانگی اتوماتیزه شد (Simonsen, 2020: 169). با این حال، در کشورهای در حال توسعه، که به الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته گرایش دارند، در رابطه میان دو حوزه تداخل و تعارضات زیادی وجود دارد. سومین تقابل در این باره در میان بازتولید و تولید است. از منظر تاریخی، زنان در تولید مادی شرکت نداشته یا شرکت اندکی داشته‌اند، در حالی که مردان اساس این تولید را به دست گرفته‌اند (Dias and Blecha, 2017: 5). بر عکس، زنان بازتولید جنسیت را بر عهده دارند که نقش مردان در آن اندک بوده است. فاصله گرفتن زنان ازتولید مادی آنها را طبعاً از مالکیت ابزارهای تولیدی و امتیازات خاص آن نیز محروم می‌سازد و در موقعیت زیر سلطه‌ای نسبت به مردان قرار می‌دهد (فکوهی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

از دیگر مفاهیمی که در ژئوپولیتیک جنسیت بدان توجه شه است، بازتعریف مفهوم قدرت و بررسی چگونگی توزیع آن در فضاهای جنسیتی است (Duesterhaus, et al, 2020: 179). از منظر ژئوپولیتسین‌های جنسیت، تعارف و مصادیق قدرت دارای اشکالاتی است که عبارتند از:

۱) مردان بیشتر به تولید و انباشت قدرت می‌اندیشند تا توزیع آن؛

۲) مردان به متمرکز و انحصاری کردن قدرت علاقه‌مندند و از توزیع آن امتناع می‌ورزند؛

۳) در تعریف مردانه از قدرت، فقط به ظاهر و عناصر ملموس، عینی و سخت‌افزاری و نه عناصر ذهنی، پنهان و نرم افزاری آن توجه می‌شود؛

۴) قدرت به سه شکل اعمال می‌شود؛ زور، تشویق و اقناع. در اعمال زورمندانه قدرت تنبیه مطرح است و در اعمال تشویقی قدرت، پاداش مهم است. مردان فقط به دو نوع اول پرداخته و از توجه به خصلت اقناعی آن اجتناب کرده‌اند (جدول ۱).

۵) مردان تصمیمات را بر اساس قدرت درجه‌بندی کرده و آن را به تصمیمات عادی و عالی تقسیم و در نهایت تصمیمات عادی را به زنان داده و تصمیمات عالیه و استراتژیک را در انحصار خود در می‌آورند. این نگرش گویای نگاه جنسیتی مردان به مفهوم قدرت است (گالبرایت، ۱۳۹۷: ۳۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

جدول (۱). پراکنش جنسیت در حکومت محلی آمریکا و بریتانیا

اعضای حکومت محلی	تعداد n	مرد	زن	اطلاعاتی موجود نیست
ایالات متحده				
شهرداران شهرهای با جمعیت بیش از ۱۰۰هزار نفر در سال ۱۹۹۹	۲۱۸	۷۷	۲۱	۲
اعضای شورای شهر نیویورک در سال ۲۰۰۲	۵۱	۷۶	۲۴	
اعضای شورای شهر لس‌آنجلس در سال ۲۰۰۲	۱۵	۶۷	۳۳	
اعضای انجمن شهرداری شیکاگو در سال ۲۰۰۲	۵۰	۷۰	۳۰	
اعضای شورای شهر بوستون در سال ۲۰۰۲	۱۳	۸۵	۱۵	
بریتانیا				
اعضای شورای بخش‌ها و مناطق در سال ۱۹۸۶	-	۸۱	۱۹	
رهبران شورا درسال ۱۹۹۳	۴۴۸	۶۸	۸	۲۵
روسای شورا درسال ۱۹۹۳	۴۴۸	۹۷	۳	
اعضای انجمن بزرگ لندن در سال ۲۰۰۲	۲۵	۶۰	۴۰	
اعضای انجمن تراست‌های مسکن‌سازی در سال ۱۹۹۴	-	۵۴	۴۶	
اعضای انجمن شوراهای آموزشی و تجاری در سال ۱۹۹۴	-	۸۸	۱۲	
اعضای انجمن مسولان بهداشت منطقه‌ای در سال ۱۹۹۴	-	۶۲	۳۸	
اعضای انجمن تراست‌های خدمات درمانی ملی در سال ۱۹۹۴	-	۶۰	۴۰	

(منبع: جونز و دیگران، ۱۳۸۶؛ عباسی سمنانی و مهکویی، ۱۳۹۰)

از منظر مشارکت سیاسی و انتخاباتی نیز، ژئوپولیتیک جنسیت به این نتیجه دست یافته است که در بیشتر فضاهای جغرافیایی، چنین القا می‌شود که زنان کمتر از مردان رای می‌دهند و بر همین اساس ،نتیجه گرفته می‌شود که زنان به سیاست کمتر علاقه دارند. تا پیش از این، عموماً فرض بر این بوده که زنان به مسال سیاسی کمتر توجه دارند، چراکه علایق اصلی ایشان در قلمرو خانگی واقع شده است. اما همین تقسیم جهان به دو قلمرو عمومی و خصوصی یا خانگی خود مسئله‌ای سیاسی و ژئوپلیتیکی است (آبوت و والاس،۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۵۳).

روش تحقیق

محیط‌شناسی تحقیق

محیط مورد مطالعه در تحقیق حاضر، استان فارس است. این استان، یکی از استان‌های جنوبی ایران به‌شمار می‌رود که از نظر مساحت، چهارمین استان بزرگ ایران است. شکل (۱). طبق آخرین سرشماری انجام شده، جمعیت این استان، ۴۸۵۱۲۷۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

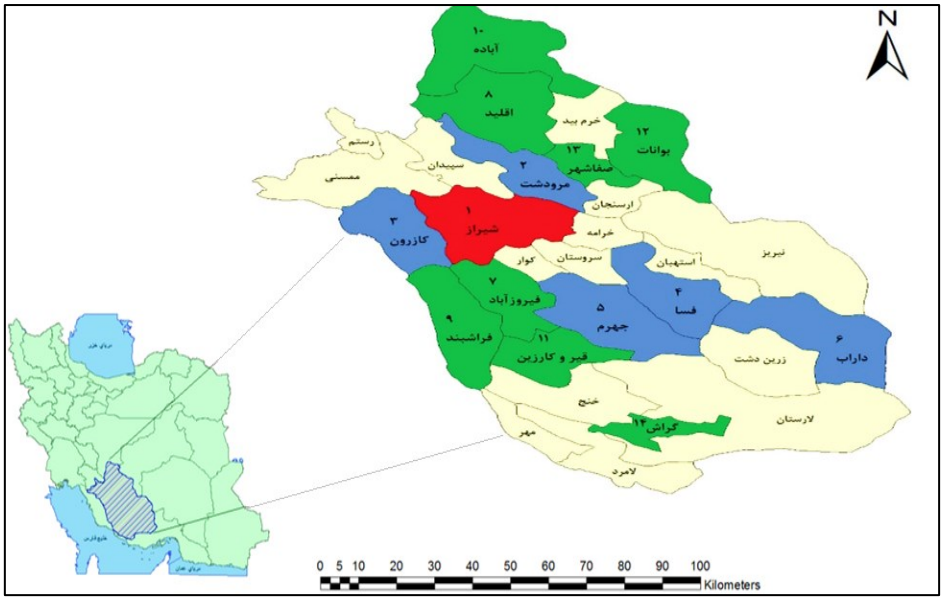

شکل (۱). نقشه‌ی استان فارس

روش کار

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، میدانی-اسنادی است. با مراجعه به آمارنامه‌ها و اسناد موثق درباره‌ی ارقام کیفی انتخابات شورای شهر در شهرستان‌های منتخب استان فارس، به گردآوری داده‌هایی از جمله میزان مشارکت، مجموع نامزدها بر اساس جنسیت و نیز جنسیت منتخبان در سه دوره‌ی انتخابات شورای شهر استان فارس اقدام شد. پس از آن، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel اقدام به تحلیل داده‌ها و ترسیم نمودارهای توزیع جنسیت پرداخته شد.

نتایج

اولین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا در استان فارس

در روز ۷ اسفند سال ۱۳۷۷، چند روز پس از برگزاری بیستمین سالروز پیروزی انقلاب، اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در ایران برگزار شد. با این اوصاف نمایندگان مردم در خبرگان قانون اساسی در نهایت اصل ۱۰۰ را که به شوراها اختصاص داشت تصویب کردند. مطابق این ماده «برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طرق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

با اینکه اوایل پیروزی انقلاب شور و شوق فراوانی برای به مرحله اجرا در آوردن اصل شوراهای اسلامی شهر و روستا وجود داشت اما امکان تحقق این وعده میسر نشد تا اینکه در هفتم اسفند ۱۳۷۷ مردم با حضور ۲۴ میلیونی خود در اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که توسط دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی برگزار شد، شورای شهر و روستا را در جمهوری اسلامی ایران بنا نهادند.

مجلس در ۳۰ آبان اسامی ۶۶ نفر عضو هیات‌های عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی در ۲۲ استان را اعلام کرد و در ۱۲ آذر نیز هیات دولت کمیته ویژه وزارتخانه‌های معین در امر برگزاری انتخابات شوراهای را تشکیل داد. در دوم دی با دستور وزیر کشور و با تشکیل هیات‌های اجرایی در شهرستان‌های و بخش‌ها، کار انتخابات شوراهای اسلامی برای ورود ۲۰۱ هزار نفر به شوراهای اسلامی شهر و روستا در ۷۳۰ شهر و ۴ هزار روستا آغاز شد. نامزدهای انتخاباتی نیز آمادگی خود را برای حضور در این رقابت در هفتم دی ماه به وزارت کشور اعلام کردند و مهلت اداری ثبت نام هفت روزه نامزدها نیز در ۱۳ دی به پایان رسید. در ۱۷ اسفند ماه نیز اسامی اعضای منتخب شورای شهر در شهرهای مختلف اعلام شد. بر اساس نتایج بدست آمده در فارس از چهارصدهزار و ۹۷۳ رای ماخوذه، ۷ زن انتخاب شدند. اشکال(۲ و ۳).

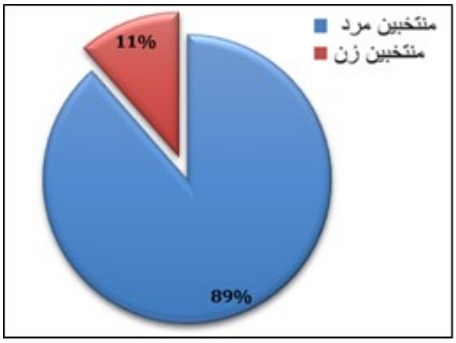

شکل (۲) درصد منتخبین زن و مرد در دوره اول انتخابات شورای شهر استان فارس

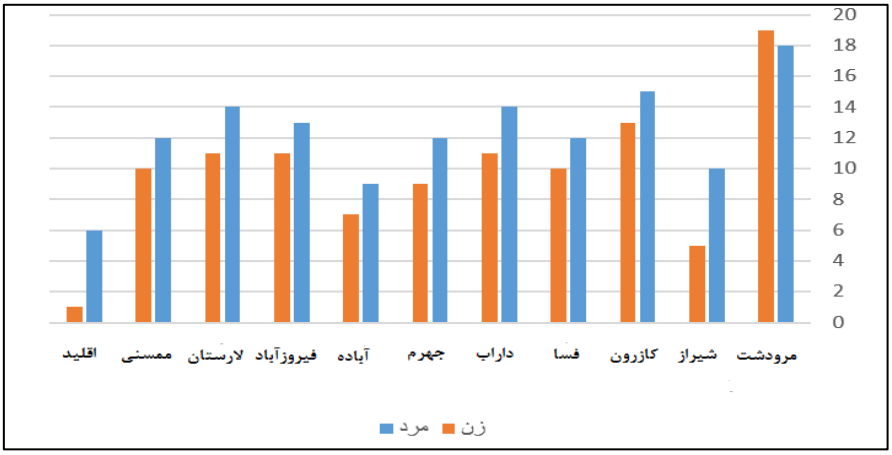

شکل (۳). درصد منتخبین زن و مرد به داوطلبین زن و مرد در انتخابات دوره اول شورای اسلامی شهر و روستا در استان فارس در بازه‌ی زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا در فارس

دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا، روز ۹ اسفند ۱۳۸۱ برگزار شد. مشارکت دراین دوره انتخابات پایین بود. در استان فارس، در نهایت ۵۶۲ هزار و ۵۲۲ نفر در انتخابات شورای شهر فارس شرکت کردند که کمی بیش از یک سوم مشارکت در دوره قبل بود. در این دوره از ۴۷۷ داوطلب زن در استان فارس، ۱۳ زن توانستند کرسی‌های اصلی شورای شهر را به‌دست آورند. اشکال(۴ و ۵).

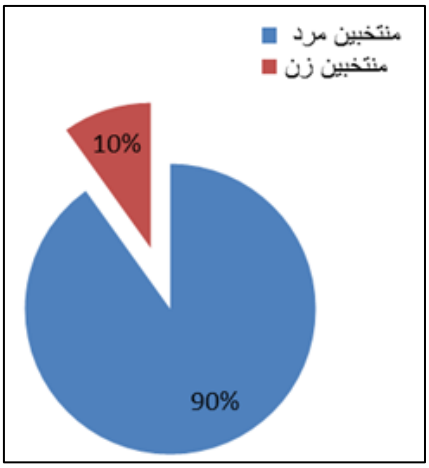

شکل (۴) درصد منتخبین زن و مرد در دوره دوم انتخابات شورای شهر استان فارس

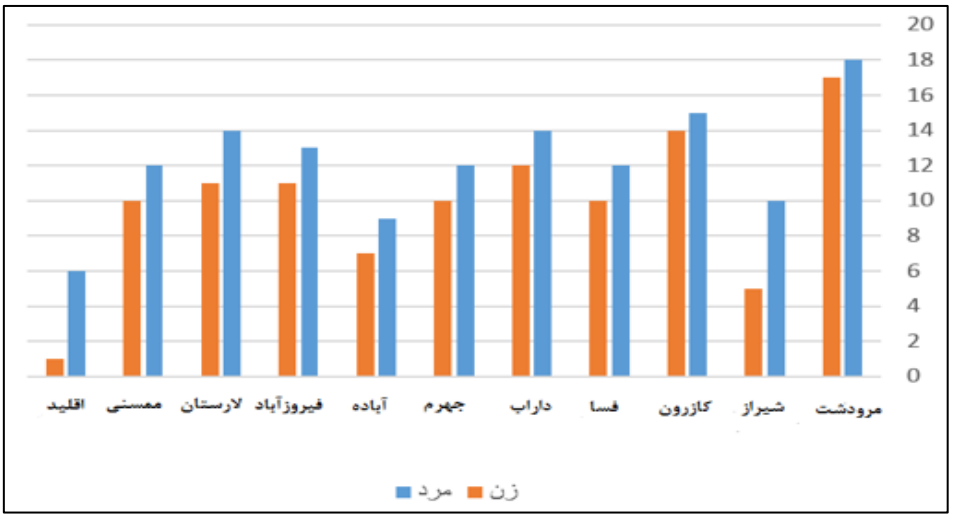

شکل (۵). درصد منتخبین زن و مرد به داوطلبین زن و مرد در دوره دوم انتخابات شورای شهر و روستای اسلامی در استان فارس در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۱تا ۱۳۸۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

سومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا در فارس

سومین دوره انتخابات شورای شهر روستا روز ۲۴ آذر ۸۵ برگزار شد. در این انتخابات ۸۰۰ هزار و ۵۵۸ نفر در فارس شرکت کردند که تقریبا سه برابر مشارکت در دوره دوم بود. از مجموع ۱۵۷ کرسی شوراها اسلامی ۱۹ مرکز استان، اصولگرایان با ۹۵، اصلاح‌طلبان با ۳۰، رایحه خوش‌خدمت با ۲۰ و خدمتگزاران مستقل ایران اسلامی با ۵ کرسی به شوراها راه یافتند و ۷ نامزد مستقل هم برگزیده شدند. در برخی شهرها نامزدهای اصولگرایان در دو گروه رایحه خوش‌خدمت و خدمتگزاران مستقل مشترک بودند. در استان فارس از ۲۰۲ نفر داوطلب زن، ۱۳ نفر از زنان منتخب شدند که از این میان تنها ۷ زن به کرسی‌های اصلی شورای شهر راه یافتند و از این میان سهم شهر فارس، تنها ۳ زن بوده است. در واقع، در حالی که در دوره‌های اول و دوم شورای شهر کل کشور، زنان فقط ۷درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص داده بودند، در شورای شهر سوم، میزان حضور آنان در صحن شوراها افزایشی ناگهانی یافته است. اما در مورد استان فارس وضعیت راه یابی زنان به شوراهای شهر نه تنها افزایش نداشته بلکه دچار رکود نیز شده است.اشکال (۶ و ۷). در سطح دیگر استان‌ها نیز از ۳۰ شهری که مرکز استان محسوب می‌شوند، در ۱۲ شهر، زنان رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. زنان با کسب ۴۳ کرسی از مجموع ۲۶۹ کرسی شوراهای اسلامی شهرهای مراکز استان، حدود ۱۶ درصد از این کرسی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین تعداد زنانی که به شوراهای مراکز استان‌ها راه یافتند، متعلق به شهرهای قزوین و همدان است که در هر کدام تعداد زنان چهار نفر است. در هر یک از شهرهای فارس، اراک، ارومیه و زنجان هم سه زن به ترکیب نهایی شوراها راه یافته‌اند. تنها در هفت شهر اصفهان، بوشهر، تبریز، رشت، ساری، کرمانشاه و یاسوج، هیچ نامزد زنی نتوانست به شورای شهر راه پیدا کند.

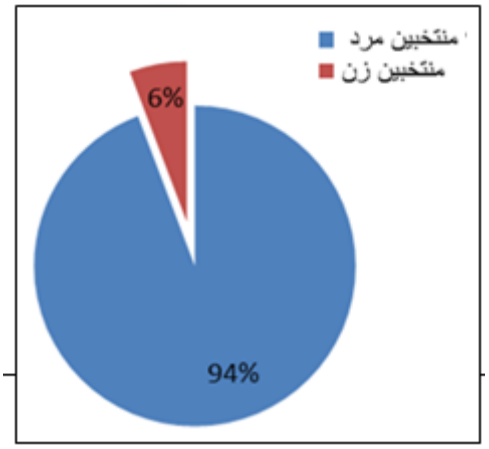

شکل (۶). درصد منتخبین زن و مرد در دوره سوم انتخابات شورای شهر استان فارس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

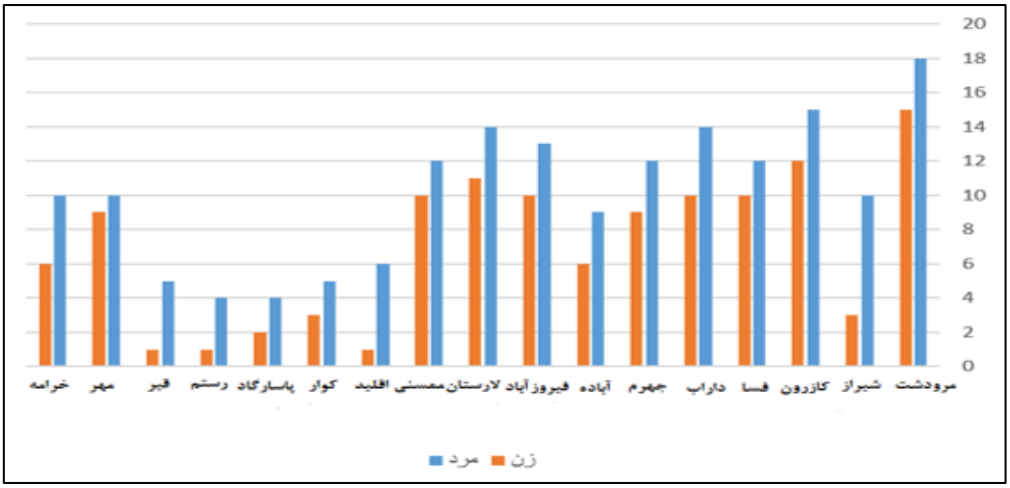

شکل (۷). درصد منتخبین زن و مرد به داوطلبین زن و مرد در انتخابات دوره سوم شورای شهر و روستای اسلامی استان فارس در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲

بررسی سه دوره انتخابات شهر و روستا در استان فارس، نشان می‌دهد که توزیع قدرت از نظر تعداد کرسی‌های فرعی و اصلی، عموماً با اختلاف زیادی در اختیار مردان بوده است. در انتخابات دور اول، این نسبت به‌گونه‌ای است که نزدیک به ۹۰ درصد کرسی‌ها در اختیار مردان است. در دور دوم، روند توزیع قدرت تا اندازه‌ای به سود زنان تغییر می‌کند و به‌گونه‌ای از میزان ۱۰ درصد در دور اول به نزدیک ۲۰ درصد در دور دوم افزایش می‌یابد. با این حال، در دور سوم این نسبت به عقب بازمی‌گردد و وزن ژئوپولیتیکی جنسیت مردانه در انتخابات شوراهای شهر و روستا حفظ می‌شود. شکل (۸).

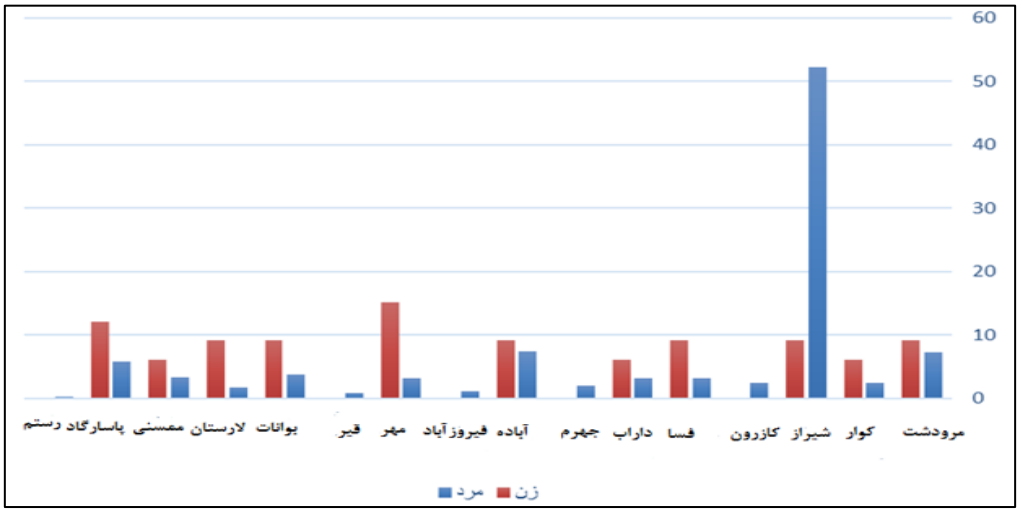

شکل (۸). مقایسه درصد جنسیت پذیرفته شدگان نسبت به جنسیت داوطلبین در شهرستان‌های استان فارس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]
[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

نتیجه‌گیری

توزیع برابر فرصت‌ها و امکان مشارکت حداکثری شهروندان در سرنوست سیاسی خود، از جمله فضاهایی است که در انتخابات گشوده می‌شود. از طریق این شیوه‌ی مشارکتی، شهروندان خواست‌ها و چه بسا اعترضات خود را به روند حاکم نشان می‌دهند. در این میان، توزیع نمایندگی بر اساس جنسیت از اهمیت خاصی برخوردار است که نشان می‌دهد وضعیت و کیفیت نمایندگی و سهم‌دهی در کانون‌های قدرت از منظر جنسیتی چگونه است. هرچه میزان سهم‌دهی به گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی سیال‌تر باشد، روندهای انتخاباتی کارآمدتر و مردمی-تر خواهد بود. به عبارت دیگر، فلسفه‌ی وجودی مشارکت سیاسی از طریق انتخابات، دخالت دادن سلایق و افکار گروه‌های مختلف اجتماعی در روندهای کلان‌مقیاس سیاسی است. از این طریق، هرچه بتوان میزان مداخله‌گری اقشار و گروه‌های اجتماعی را تسهیل کرد، کارآمدی و نمایندگی انتخابات تقویت خواهد شد. مسئله‌ی جنسیت نیز در این میان، یکی از شاخص‌هایی است که در نحوه‌ی توزیع قدرت در فضاهای سیاسی به‌ویژه از طریق مقوله‌ی انتخابات مهم تلقی می‌شود. از آنجا که در کشور ایران، زنان بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و با توجه به افزایش میزان تحصیلات و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی آن، مطالبه برای رفع تبعیض از مشارکت‌دهی زنان افزایش یافته است. از منظر جمعیتی، زنان در ایرن از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی برخوردار هستند و با توجه به دورنمای جمعیت کشور، به‌نظر می‌رسد که سهم‌خواهی آنان در آینده برای تصدی مناصی اجتماعی و سیاسی افزایش یابد. با توجه به چنین شرایطی، تحقیق حاضر نیز به بررسی سه دوره‌ی انتخابات شواری شهر و روستا در استان فارس پرداخت تا کیفیت توزیع قدرت نمایندگی بر اساس جنسیت را در این سه دوره نشان دهد. نتایج نشان داد که از نظر ژئوپولیتیکی، کانون‌های نمایندگی در استان فارس همچنان با توزان نامناسبی در اختیار مردان است و در طول سه دوره‌ی گذشته، به‌طور میانگین تنها ۱۵درصد از مناصب نمایندگی در انتخابات شهر و روستا به زنان تعلق داشته است.

منابع

آبوت، پاملا و والاس، کلر(۱۳۹۰)، **درآمدی بر جامعه شناسی نگرش‌های فمنیستی**، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۸)، **علل ناکارامدی احزاب سیاسی در ایران**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تیلور، پی. جی و جانستون، آر. جی (۱۳۸۶)، **جغرافیای انتخابات**، ترجمه‌ی زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: نشر قومس.

جونز، مارتین و دیگران (۱۳۹۶)، **مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه زهرا پیشگاهی و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شکویی، حسین (۱۳۹۷)، **اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا**، تهران: انتشارات گیتاشناسی.

عباسی سمنانی، علیرضا، مهکویی، حجت. (۱۳۹۰)، **نگرشی بر جغرافیا و جنسیت**، فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۲۰(۷۷): ۷۴-۷۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]

[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]

فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰)، **تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی**، تهران: نشر نی.

کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۲)، **جغرافیای انتخابات با تاکید بر انتخابات ریاست جمهوری ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.

کاویانی راد، مراد، قره‌بیگی، مصیب. (۱۳۹۷)، **جغرافیای انتخابات: مفاهیم و کابردها**، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.

گالبرایت، جان (۱۳۹۷)، **قدرت**، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.

متقی، افشین (۱۳۸۹)، **بررسی تحلیلی انتخابات ریاست جمهوری ایران در بررسی یک نگاه تلفیقی**، تهران: چهارمین کنگره بین المللی انجمن ژئوپلتیک ایران.

متقی، افشین (۱۳۹۵)، **خاستگاه آراء در نهمین دوره‌ی انتخابات مجلس در شهرستان کازرون برپایه‌ی دیدگاه‌های اینگلهارت، پیپا نوریس و مکتب شیکاگو**، فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۵۸(۲): ۲۵۶-۲۳۷.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.

Crespin, M., Darmofal, D. and Carrie, E. (2019). **The Political Geography of Congressional Elections,** Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, IL, March 31st-April 3rd, pp 1-40.

Dias, K. and Blecha, J. (2017). **Feminism and Social Theory in Geography: An Introduction,** Professional Geographer, 59 (1): 1–9.

Duesterhaus, M., Grauerholz, L., Weichsel, R. and Guittar, N. (2020). **The Cost of Doing Femininity: Gendered Disparities in Pricing of Personal Care Products and Services**, Gender Issues. **28**(4): 175–191.

Foord, J. and Gregson, N. (2019). **Patriarchy: Towards a Reconceptualization**, Antipode, **18** (2): 186–211.

McKee, C. (2008). **The Effects of Redistricting on Voting Behavior in Incumbent U.S. House Elections**, 1992-1994, Political Research Quarterly, **61**: 122-133.

Quinton, N. (2020). **Political Activism: New Challenges, New Opportunities in Charles Boix and Susan C. Stokes (Eds.).** The Oxford Handbook of Comparative Politics, New York: Oxford University Press.

Simonsen, K. (2020). **Practice, spatiality and embodied emotions: an outline of a geography of practice.** Human Affairs, **17**(2), 168-181.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.59.20.7]

[DOI: 10.29252/jgs.20.59.359]